

وعده ای که به فراموشی سپرده شد

رضا احسانی



و بروکراسی منفی در ادارات جلوگیری کرده و کارایی ادارات را افزایش دهد. در اثر این ناهماهنگی ها سالانه میلیون ها دالر بودجه ملی حیف و میل می گردد و روند کارهای اداری با توقف و کندی مواجه شد. در میان این ادارات صلاحیت ها به درستی تقسیم نشده است به همین دلیل این ادارات همواره از تداخل کاری، مسئولیت گریزی و رقابت های منفی رنج می برند و در صورت کاستی و ضعف می توانند به راحتی از خود شان رفع مسئولیت کرده و نقص ها را به گردن اداره موزای دیگر بیندازند. به نظر می رسد حکومت کمتر به اصلاحات اداری توجه نموده است. به این خاطر یک استراتژی جامع برای اصلاح اداره و ایجاد اداره کارا و موثر تهیه نکرده است. در تشکیل اداره در گذشته بیش از آن که نیاز اداری دخیل بوده باشد، مسایل و مصلحت های سیاسی مد نظر بوده است.

ادارات جدید را ضروری می نمود. فلسفه تشکیل اداره های موزای در کشور یکی توجیه و یا جبران ضعف ها و کم ظرفیت های اداری بود و دیگری مصلحت سنجی های بود که از جانب حکومت برای راضی نگهداشتن برخی رهبران و منتقدان سیاسی و اجتماعی، لازم شمرده می شد. قریه شدن ادارات در نتیجه به وجود آمدن ادارات موزای از یک طرف سبب تداخل کاری و افزایش بیکاری پنهان در جامعه گردید و از سوی دیگر فساد اداری را عمیق تر و گسترده تر نمود. از همین رو مساله ویرانگر خویشخوری نیز در جامعه هر روز به گونه پر رنگتر خود نمای می کرد. وجود اداره های موزای تاکنون برای مردم مشکل ساز بوده و موثریت در کارشان وجود نداشته است. موجودیت ادارات موزای و مازاد بر نیاز در کادر دولت، یکی از عوامل عمده دامن زدن به فساد اداری محسوب می گردد. در چارچوب دولت، نهادهای بی شماری وجود دارند که اصولا برای آنها هیچ ضرورتی احساس نمی گردد. مثلا تنها چندین اداره مشخص موزای با فعالیت های مبارزه با فساد اداری وجود دارد که

نتیجه دیگر این شیوه مدیریت که تا دو سال قبل به شکل گسترده اعمال می شد، ایجاد ادارات و کمیسیون های موزای در ساختارهای دولتی است. در حال حاضر یکی از مشکلاتی که همواره ادارات کشور را به ناکارایی و عقامت مواجه کرده است، ادارات موزای است. ادارات موزای سبب کندی در انجام مسؤلیت های دولتی گردیده و سردرگمی و بلاتکلیفی های موزای در هنگام مراجعه به ادارات در پی داشته است. ادارات موزای علاوه بر تحمیل هزینه های هنگفت بر دولت آرایه خدمات از جانب حکومت را نیز با کندی مواجه کرده و خسارات مادی و معنوی بسیاری بر مردم افغانستان وارد آورده است. در سال های گذشته در افغانستان ادارات موزای و وزارت خانه های بی هدفی زیادی به وجود آمدند که تا هنوز به جز صرف هزینه های هنگفت، ایجاد تداخل کاری در ادارات، افزایش بروکراسی و فساد، دستاورد قابل ملاحظه ای نداشته اند. ادارات بر اساس نیازهای اداری مردم و جامعه به وجود می آید، ولی در افغانستان این افراد و گروه ها بودند که تشکیل

حکومتداری خوب اساس نظم و امنیت در جامعه را تشکیل می دهد. با تأمین نظم و امنیت، توسعه پایدار در کشور ممکن می گردد. اگر در یک کشور روند توسعه با مشکل مواجه شود و با نظم و امنیت اجتماعی برهم بخورد، نشانه این است که اساس حکومتداری در جامعه سست و متزلزل می باشد. در افغانستان به دلیل وقوع جنگ ها و شورش های داخلی اساس نظم و امنیت در کشور درهم ریخت و کشور در حالت هرج و مرج قرار گرفت و زیربنای اقتصادی و اداری کشور از بین رفت. ثبات سیاسی در کشور آسیب دید و دوام حکومت ها با چالش های جدی مواجه گردید. نظام سیاسی جدیدی که در سال ۲۰۰۱ با کمک جامعه جهانی در کشور شکل گرفت، هدفش بنیانگذاری یک نظام کارآمد و همه پذیر در کشور بود. نظامی که بتواند از تمام توانایی ها و ظرفیت های ملی به درستی استفاده کرده و چرخ اقتصاد کشور را به حرکت درآورد. ولی به دلیل مشکلات و ناسازگاری های داخلی، نظام موجود موفق نشد تا بخش اعظم انتظارات مردم را برآورده سازد و اساس یک مدیریت خوب و کارآمد را در کشور بنیانگذاری کند. امتیازخواهی ها و زور آزمایی های گروه های سیاسی و اجتماعی از یک سو و ضعف مدیریت کلان در کشور از سوی دیگر، مدیریت کشور را از مسیر اصلی و استراتژیک خارج کرد و آن را به سمت روز مژه گرای سوق داد. گسترش فساد و حیف و میل شدن میلیاردها دالر نتیجه همین مدیریت غیر استراتژیک است. در این کشور رضایت افراد و اشخاص با دادن امتیاز به دست آورده می شود و جلسوی مخالفت ها و اعتراض های نیز با انتصاب و تقرر به مقام های بلند سیاسی و اداری گرفته می شود. این شیوه مدیریت که مملو با ملاحظه کاری ها و مصلحت سنجی ها است، به گسترش هنجارهای فساد آلود کمک کرد و قانونگرایی و شایسته سالاری را به حاشیه راند.

طالبان؛ فروپاشی درونی و سودای خام احیای امارت اسلامی

نسیم ابراهیمی



تحت نام داعش در افغانستان فعالیت می کنند، اکثر ناراضیان رهبری گروه طالبان می باشند. گزارش هایی که از تغییر و تبدیل چهره ها در صف گروه طالبان منتشر شده، مخالفت های جدی درون گروهی را در صف این گروه نیز نشان می دهد. در تبدیل والی های طالبان از سوی ملا هبت الله، والی این گروه در ولایت هلمند سخمت از خود مقاومت نشان داده و از فرمان رهبری این گروه، سر باز زده است. ولایت هلمند برای گروه طالبان از منغفت و جایگاه استراتژیکی برخوردار است. این ولایت برای جنگ جویان طالبان منبع مهم در آمدی است که تاکنون بخشی از هزینه های جنگی این گروه از همین ولایت تأمین شده است. کشت و قاجاق مواد مخدر منبع مهم عایداتی شورشیان می باشد که تاکنون طالبان از آن در ولایت هلمند به خوبی بهره برده اند و در شرایط جدید طالبان بپدید به نظر نمی رسد که جناح های این گروه برای تأمین منابع عایداتی خود در این ولایت و نیز جاهای دیگر به تقابل هم بپردازند. اما در وضعیت و شرایط جدید طالبان، پرسش این جاست که حکومت افغانستان در کجای این بازی های جنگ قرار دارد و چه استراتژی را برای غالب آمدن علیه شورشیان روی دست خواهد گرفت. آیا همانگونه که حکومت افغانستان در گذشته دروازه های طالبان را برای مصالحه و شامل ساختن آن ها بدون هیچ نتیجه ای دق الباب کرده و بدون هیچ دستاوردی برگشته است، دوباره همان استراتژی دستپاچه به صلح را روی دست خواهد گرفت؟ یا این که این بار راه هایی جدیدی را روی دست خواهد گرفت تا برپایه ی آن شیره های اقتصادی، تأمینانی و تمویل گروه طالبان قطع شود و نیز زمینه سربازگیری های گروه های افراطی را تنگ تر سازد؟ طالبان و دیگر گروه های بنیادگرا که منغفت جنگی و اقتصادی خود را با مشروعیت کرده اند، بنیادگرایی دینی به پیش می برند؛ آیا حکومت افغانستان این خواست را خواهد داشت تا به طور واقعی با این پدیده مبارزه کند و راه های مقابله با آن را به پیش بکشد؟ طالبان اکنون بیش از هر وقت دیگر در معرض فروپاشی درونی قرار گرفته و به عنوان یکی نیروی واحد علیه حکومت مقابله کرده نمی توانند. سودای احیای امارت اسلامی خیالی بیش نیست در صورتی که حکومت اراده ی مستحکمی در مبارزه با افراطیت، بنیادگرایی دینی داشته باشد و ایدئولوژی خام آن ها را برای جامعه سنتی بر ملا سازد.

حالا خبر کشته شدن عضو کمیسیون نظامی گروه طالبان، تعیین ۱۶ والی نام نهاد در ولایت های مختلف و نیز طرح ترور اعضای ارشد گروه طالبان، وضعیت بحرانی درونی این گروه را نشان می دهد. منابع موثق امنیتی گفته اند که قتل قاری سیف الله عضو کمیسیون نظامی طالبان در ولایت زابل از سوی مشاور رهبر این گروه در کوئته طرح ریزی شده و این عضو ارشد طالبان به قتل رسیده است. منابع امنیتی حکومت افغانستان هم چنان خبر داده اند که هسته ی طالبان تحت رهبری ملا هبت الله ترور و از میان برداشتن ۵۰ عضو بلند رتبه و پایین رتبه این گروه را نیز برنامه ریزی کرده اند که طی یک ماه آینده آن ها را به قتل برسانند؛ بر اساس این منابع امنیتی کشته شدن قاری سیف الله آغاز این روند می باشد. از سویی هم برکناری ۱۶ والی نام نهاد و گماشتن افراد جدید در جای آن ها که سخنگوی گروه طالبان نیز آن را تأیید کرده، نشان از یک تغییر استراتژی در صف گروه طالبان می باشد. بر اساس اطلاعات استخباراتی حکومت افغانستان جدیدالتقرر همه از نزدیکان ملا هبت الله رهبر این گروه می باشند. این تغییر و تبدیل ها را اکنون که ملا هبت الله رهبر طالبان شروع کرده و آن را عملی می سازد، به هدف استحکام قدرت «رهبری» می باشد. اما آنچه مشهود است اکنون زمان آن گذشته و رهبر طالبان با توجه به عملکردی که انجام داده و کارنامه ای که در مدت رهبری خویش از خود برجا

گروه طالبان پس از مرگ نخستین رهبر خود به گونه ی واقعی از هم پاشید و به دسته های خرد و ریز تخریب گر انشعاب کرد. اگر چه که در زمان رهبری ملا عمر، این گروه، اقتدار ناسیونالیستی خود را با خواست های ظاهر ا ایدئولوژیک بنیان نهاده بودند؛ اما پس از مرگ او، نه خواست ایدئولوژیک آن ها یا اقتدار اولی خود باقی ماند و نه خواست های ناسیونالیستی شان؛ بلکه تمامی این خواست ها - گذشته از وابستگی بیرونی شان - همه به خواست ها و رقابت های درون قبیله ای فروکاست داده شده اند. ملا هبت الله، رهبر کنونی گروه طالبان که بر اساس مصلحت درون قبیله ای و مشروعیت

بخشی ایدئولوژیک این گروه پس از جدال های متواتر به عنوان رهبر برگزیده شده، نتوانست که برای اقتدار و مشروعیت بخشی دینی رهبری طالبان کاری انجام دهد و نه هسته ی این گروه را حفظ کرده توانست؛ بلکه بیشتر منجر به پراکندگی و فروپاشی هسته بی رهبری این گروه شده است. طوری که این ملای مدرسه ی دینی فاقد تجربه ی سیاسی - نظامی در راضی کردن ملا رسول، رقیب هم قبیله ی خود نیز ناکام بوده و گروه تحت رهبری او را که به نام «شورای عالی امارت اسلامی» فعالیت می کند، زیر یک پرچم آورده نتوانست. ملا رسول بارها از او به عنوان نوکر خارجی یاد کرده است که بر اقتدار و مشروعیت رهبری ملا هبت الله از لحاظ دینی - مذهبی در میان طالبان، صدمه وارد کرده است. از سوی دیگر، شبکه ی حقانی که به عنوان شاخه ی نظامی گروه طالبان فعالیت می کند، به عنوان یک قدرت موزای در کنار این گروه فعالیت می کند. ملا هبت الله به هدف این که شاخه ی تحت رهبری ملا رسول را که از قبیله ی نورزایی و هم قبیله ی او می باشد، به هسته ی اصلی طالبان ملحق سازد به عنوان رهبر برگزیده شد و هم چنان سراج الدین حقانی هم به دلیل جایگاه او در شبکه ی حقانی به عنوان معاون اول، یعنی فرد شماره دوی این گروه انتخاب گردید تا این که مخالفت های درونی کم شود و این شبکه در کنار گروه طالبان فعالیت کند. اما بر ضعف رهبری ملا هبت الله در این مدت، سراج الدین حقانی به عنوان یک رهبر موزای امور طالبان را به پیش برده است.

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.



روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.